

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرامی: ۱. چگونه نور اعتکاف از بین نرود و در دل باقی باشد و بتوانیم آن نور را نگه داریم؟ ۲. این گفته که در قرآن بیان شده از جمله پل صراط یا شب اول قبر، عذاب قبر، آیا تقریب به ذهن ما هست چون آنجا پل نیست مثل دنیا نیست و یا مثالی مثل دنیا آورده اند برای فهم ما از این مفاهیم هست؟ چون آن عالم با این عالم فرق می کند برای بیشتر فهم این مفاهیم قرآن درک آنها مثل عذاب قبر، فشار قبر، تنگی لحد و عذابها باید چه کنیم؟ با خواندن آیات عذاب یک ترسی و وحشتی وجودمان را می گیرد چه کار کنیم که این ترس را داشته باشیم؟ چه کنیم بیشتر اسما الهی را در زندگی حس کنیم و از کجا بفهمیم اسما جلال و یا جمال در ما تجلی کرده و اسما و صفات در دل آمده یا نه؟ ۳. آیا درست است اگر انبیا علیه السلام ولایت حضرت علی پذیرفتند به مقام انبیا رسیدند یا از اول پذیرفته بودند حدیثی هست جعلی که می گوید چون حضرت نوح و یا حضرت یونس که در ماهی رفت وقتی پذیرفت نجات یافت در صورتی که پذیرفته بودند و این درست نیست آیا شما تأیید می کنید؟ بعضی مواقع آقایان مداح ها و واعظین نسبت ناروا می دهند به حضرت انبیا و اهل بیت مثلا می گویند حضرت زینب سرش را به محفل زد یا حضرت ابا عبدالله حضرت علی اصغر علیه السلام را به میدان آورد برای آب در صورتی این گونه نیست. حضرت آیت الله فاطمی نیا این موارد را رد می کردند و صحیح آن را بیان می کردند. نظر حضرتعالی را می خواستم. یا حضرت علی علیه السلام سر در چاه کردند می گفتند در هیچ جا سندی برایش نندیدند و یا حضرت قاسم اسبش رفت در بین دشمن زیر دست و پای دشمن قرار گرفت آن را هم رد کردند گفتند اسبش نرفته و از طرف دشمن به این طرف آمده اند و یا قضیه مرد نابینا که آمد خانه حضرت زهرا علیه السلام گفتند آن هم صحیح نیست. ما باید چه کنیم با این روضه های دروغ؟ آیا کتاب القطره و کتاب بحار الانور مجلسی چون حدیث ضعیف زیاد دارد چون دست بردند در احادیث مجلسی و کتب تعبیر خواب و کتب طب رضا را هم رد کردند، گفتند راوی آن یکی هست هیچ وقت حضرت رضا علیه السلام برای مأمون علیه لعنت طب نگفتند، مأمون کوفت بخورد لعنت خدا بر او باد. نظر حضرت عالی را می خواستم. چه کتب حدیثی و کتبی برای عاشورا و وقایع تاریخی همچون از انبیا بخوانیم؟ این درست است حضرت یوسف صدیق علیه السلام گفت در زندان به آن شخص گفت سفارش به حاکم مصر بکند؟ آیا حضرت یوسف علیه السلام معصوم مگه نبودند؟ مگه عصمت نداشتند که نباید به غیر خدا بگویند فقط از خداوند متعال استمداد می گرفتند و اینکه دیرتر به پدرش رسید مقام انبیا را از او گرفتند آیا اینها درست هست؟ یا حضرت آدم علیه السلام و تمام انبیا هیچ وقت خطا و اشتباه نداشتند می گویند حضرت آدم ترک اولی

کردند. آیا این کلمه درست است یا نه چون آنها عصمت داشتند ولی اهل بیت مقامشان از انبیا بالاتر هست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی، سلام علیکم: ۱. با هرچه دقیق‌تر در رعایت تقوای الهی، *إِنْ شَاءَ اللَّهُ* آثار نوری اعتکاف می‌ماند. ۲. آری! پلی است که با صورت برزخی خود *نمادِ عبور* ما از دنیا به سوی بهشت است مثل عبوری که از غرب به سوی جهان انقلاب اسلامی می‌توان داشت و صورت برزخی آن حقیقتاً پلی خواهد بود از جنس قیامت. ۳. بالاخره همین‌که می‌فرمایید آری! بعضی از این گفته‌ها یا ساختگی و یا ذوقی است و بعضی از آن‌ها با استنباط‌های ما تطبیق نمی‌کند. به نظر می‌آید با مطالعه آثار عالمانی دقیق همچون حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و علامه طباطبایی و شهید مطهری می‌توانیم سره را از ناسره باز یابیم. اتفاقاً در مورد حضرت یوسف «علیه‌السلام» علامه طباطبایی می‌فرماید وظیفه آن حضرت بود تا از ابزارهایی که خداوند برای رهایی او به‌وجود آورده است، استفاده کند و این امر، هیچ منافاتی با عصمت آن حضرت ندارد. زیرا صراحت آیه قرآن است که می‌فرماید: «قَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ» و به جهت آن‌که شیطان از یاد آن طرف که بنا بود به عزیز مصر، مظلومیت حضرت یوسف را متذکر شود؛ برد، حضرت یوسف همچنان در زندان ماندند. نه آن‌که شیطان از یاد حضرت یوسف ربوبیت رب را به فراموشی رساند!! زیرا در چند آیه قبل می‌فرماید: «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف/۲۴) و معلوم است که شیطان بر مخلصین تصرفی ندارد. و این عظمت تفسیر قیم «المیزان» است که قرآن را با قرآن تفسیر می‌کند و این‌جا است که ایشان می‌فرمایند کلیه روایاتی که حکایت از آن دارد که شیطان یاد رب را از حضرت یوسف «علیه‌السلام» برد، به کلی مردود است. زیرا با قرآن نمی‌خواند. موفق باشید